

جواہر اعلیٰ نمبرو

زندگی من

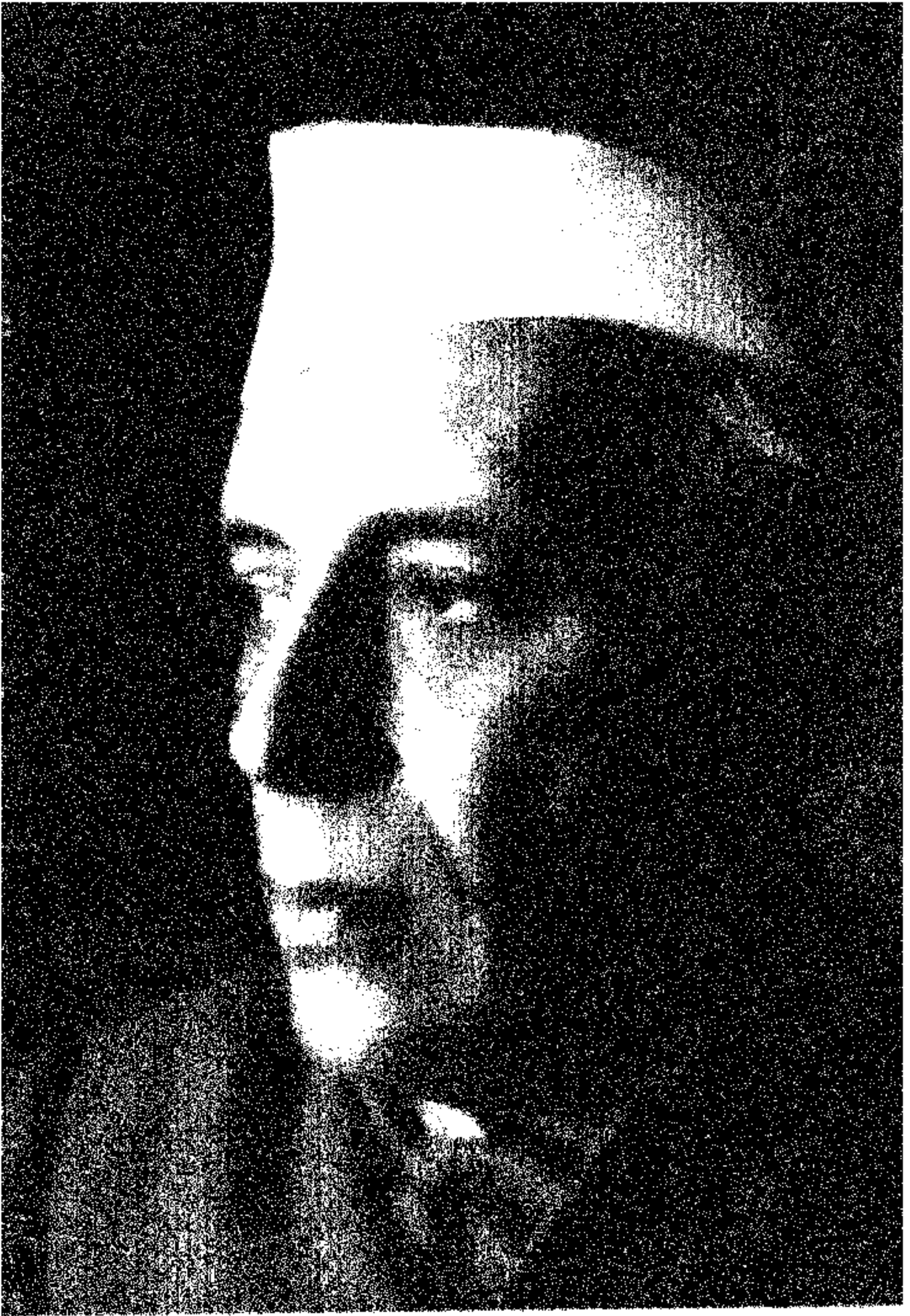
(اتویڈیو گرافی)

ترجمہ محمود نقشبلی

پہلی بار شائع ۱۹۸۰ء



انتشارات نیل



Jawaharlal Nehru

जवाहरलाल नेहरू

چاپ این کتاب در دو هزار نسخه در مهرماه سال ۱۳۰۷ هجری خورشیدی
در چاپخانه بانک باروگانی ایران بایران رسید .
حق طبع محفوظ است

هند و هندوئیسم

هند را بشناسیم

ما هند را نمی‌شناسیم. کشور عظیم هند و مخصوصاً تحولات قرون اخیرش برای ما ناشناس مانده است.

پس از آنکه استعمار اروپائی بر آسیا سایه افکند از بیاطات باستانی و تاریخی میان کشور ما و هند نیز قطع شد. بعد هم جلوه و درخشندگی تمدن جدیدی که از غرب و از اروپا می‌آمد چنان چشمان ما را خیره ساخت که از توجه به شرق بازماندیم. حتی اگر اطلاعات مختصری هم درباره شرق کسب می‌کردیم همانها بود که از منابع و مآخذ غربی به ما می‌رسید. در واقع ما با عنایت غربی به شرق می‌گریستیم.

هند باستانی و بزرگ که در جنگال استعمار اسیر شده بود برای ما بصورت کشور افسانه‌ئی مهاراجه‌ها و مرناضها در آمده بود که در میان پت مه غیب و مواج از روایات و اخبار و داستانهای عجیب و غریب و راست و دروغ بشکلی مبهم جنوه می‌کرد. در طی پنجاه سال اخیر پیش از استقلال هند یک نوع ارتباط جدید میان ایران و هند برقرار شد. مسافری میان دو کشور سفر کرده و گاهی حسه گریخته اخبار و اطلاعاتی درباره هند در ایران منتشر میگشت. اما این اطلاعات با نا اغراض فرما و روایت استعماری هند که در ایران هم نمود داشته آلوده بود و با بغاض احساسات مشترک مذهبی میان ایران و هند میان مسلمانان منحصراً از منابع مسلمانان آن کشور و موافق نظر و اعتقادات آنها اقتباس میگشت و در نتیجه هم واقعی و بعضیهای وسیع فکری و سیاسی و اجتماعی آن همچنان ناشناس میماند. در صورتیکه در این مدت که ما از آن کشور غافل بودیم و نگاهمان بیشتر متوجه غرب بود در آن سرزمین بهادور تحولاتی روی میداد و ملتی که برای از هم گسیختن زنجیرهای اسارت استعماری تلاش میکرد، در دامان هند پیریک هند جوان رشد و تکامل می‌یافت تا عاقبت در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ به بلوغ رسید و استقلال خود را بجهان بیان اعلام داشت و از آن پس نیز فبانه مضبوط و دلپذیر او هر روز با درخشش بیشتری جلوه میکند.

اطلاعات ما مردم ایران درباره نهضت عظیمی که بالاخره به پیروزی و به نامین استقلال منتهی شد بسیار ناچیز است. در صورتیکه برای استوار ساختن رشته‌های ارتباطات

از هم گسیخته باستانی، که امری ضروریست، باید هند نوین را بدرستی شناخت .
 فعالیت مفید سفارت کبرای دولت هند در تهران که از زمان استقلال هند تأسیس گشته
 است، انتشار رسالات و مقالات متعدد در باره هند، مسافرت های مختلف رهبران و سیاستمداران
 و روزنامه نویسان و هنرمندان میان دو کشور و فعالیت های فرهنگی انجمن ایران و هند و از
 همه مهمتر نقش بسیار پر اهمیت و درخشانی که هند در صحنه سیاست بین المللی اجرا میکند
 و در سراسر جهان توجه و تحسین عمومی را برانگیخته است مردم ایران را کمابیش به هند
 نوین متوجه ساخته است . اما برای آشنائی بیشتر و کاملتر با این هند نو باید با نهضتی که
 آنرا بوجود آورده است و با زندگی و افکار و فعالیت های رهبرانی که با آن نهضت پیوستگی
 جدائی ناپذیر داشته اند آشنا شد .

خوشبختانه اخیراً کتاب «اتوبیوگرافی گاندی» بنام «سرگذشت گاندی بقلم خود او»
 بوسیله آقای مسعود برزین بفارسی ترجمه و منتشر شد و با آن کتاب ما با مرد بزرگی
 که هند را بتکان آورد و راه جدیدی در پیش پای ملت خود و تمام مردم عصر ما قرارداد
 آشنا میشویم . مسلماً ترجمه آن کتاب يك قدم لازم و اساسی بود که برای شناختن هند
 نوین برداشته شد . اینک هم نویسنده این سطور با منتهای مسرت و افتخار ترجمه کتاب
 اتوبیوگرافی جواهر لعل نهرو و شاگرد و همراه گاندی و راهبر کنونی هند را به مردم ایران
 تقدیم میدارد و یقین دارد که این کار يك قدم اساسی دیگر است که میبایست بدنبال آن قدم
 برداشته میشد تا هند نوین و رهبران آنرا بهتر و بیشتر با شناساند .

اتوبیوگرافی نهرو

کتاب زندگی جواهر لعل نهرو تنها سرگذشت خود او نیست بلکه سرگذشت يك
 نسل از مردم هند و تاریخ وقایع و حوادث يك ملت بزرگ است که قدم به قدم در سنگلاخ
 مشکلات و معائب پیش رفته است تا عاقبت پیروزمندانه به هدف عالی و درخشان خود
 نایل شده است .

سخن گفتن در باره جواهر لعل نهرو کاری دشوار و زائد است زیرا شخصیت ممتاز او
 با چنان جلوه ای در صحنه سیاست جهان میدرخشد که ما را از چنین کاری بی نیاز میسازد .
 بعلاوه خواننده این کتاب با خود کتاب او را بخوبی خواهد شناخت .

کتاب اتوبیوگرافی نهرو که در کمال صراحت و صداقت و زیبایی نوشته شده است
 بما نشان میدهد که این شخصیت ممتاز کیست ، گذشته اش چه بوده است ، در چه محیطی
 بوجود آمده است و طرز تفکرش چیست ؟ حتی اگر دقیق و روشن بین باشیم از همین کتاب
 درمی یابیم هندی که امروز همراه و همقدم او گام برمیدارد به کجا میرود و چه آینده ای
 در پیش دارد ؟

بدون تردید کتاب اتوبیوگرافی جواهر لعل نهرو یکی از مهمترین و بهترین آثار است که دربارهٔ نهضت ملی هند و حرکت پرشکوه این ملت بزرگ بسوی آزادی و استقلال نوشته شده است. شاید بتوان گفت که این کتاب از جهات بسیار در نوع خود بی نظیر یا کم نظیر میباشد زیرا علاوه بر جنبه‌های تاریخی و سیاسی و اجساعی از نظر نویسنده‌گی نیز ارزش فراوان دارد و قدرت و هنر فوق‌العادهٔ مؤلف خود را نشان میدهد.

جواهر لعل نهرو در راه دشوار زندگی و مبارزات خود بازها بزرگان رفته است و گاهی دوران زندانهای او طولانی و ممتد بوده است. اما این مرد فعال و دانشمند حتی در زندان هم بیکار ننشسته است و هر بار که از زندان بیرون آمده است هدیه‌ای بصورت یک کتاب تازه و نفیس ارمغان آورده است. کتابهای معروف «نامه‌های بدری به دخترش» (سال ۱۹۲۹) و «نگاهی به تاریخ جهان» (سال ۱۹۳۴) و «اتوبیوگرافی» سال ۱۹۳۶ و «کشف هند» (سال ۱۹۴۶) همه بهمین ترتیب بوجود آمده‌اند و محصول زندانهای او هستند. جواهر لعل نهرو کتاب اتوبیوگرافی خود را که اکنون در دسترس خوانندگان گرامی قرار میگیرد در هشتمین دوران زندانش که دو سال طول کشید نوشته است.

بطوریکه هم در مقدمهٔ کتاب و هم در متن آن گفته شده است تمام آن جزو فصل آخر و بعضی تغییرات مختصر در آن، از ماه ژوئن سال ۱۹۳۴ میلادی تا فوریهٔ ۱۹۳۵ در زندان نوشته شده است. در ماه اکتبر همانسال در اروپا یک صفحه بعنوان «پس از پایان» بر آن افزوده شد و نخستین چاپ آن در آوریل ۱۹۳۶ در لندن انتشار یافت که به «کماله نهرو» همسر و همراه مبارز و دلیر نهرو که بتازگی در پایان یک بیماری در اروپا در گذشته بود اهداء گردید. نهرو ماجرای دردناک مرگ همسرش را در «لوزان» (سوئیس) و چگونگی اهداء کتاب را به «کماله دیگر نیست» در فصل دوم کتاب «کشف هند» شرح داده است که مسلماً یکی از لطیف‌ترین و حساسترین نوشته‌های اوست. اهمیت کتاب بقدری بود که در همانسال ۱۹۳۶ یعنی در مدت هشت ماه چاپ کتاب ده بار تجدید گردید و تا سال ۱۹۴۰ پانزده چاپ از آن منتشر شد. مؤلف در آن سال بهنگام تهیهٔ چاپ جدیدی از آن، فصل تازه‌ای با عنوان «پنج سال بعد» بر آن اضافه کرد و از آنپس تا سال ۱۹۵۴ میلادی باز هم پنج بار دیگر چاپ آن تجدید گردید.

ترجمهٔ فارسی کتاب

من ترجمهٔ این کتاب را در اواخر سال ۱۳۳۳ شمسی از روی ترجمهٔ فرانسوی آن که زودتر بدستم رسیده بود آغاز کردم. ترجمهٔ فرانسوی که بدست من رسید بوسیلهٔ «ژرژ بلمون»^۱ بعمل آمده و در سال ۱۹۵۲ بانام «زندگی و زندانهای من»^۲ از طرف دو

۱ - Georges Belmont

۲ - Ma vie et mes prisons

بنگاه انتشارات فرانسوی بنام «دو نوئل»^۱ و «مطبوعات امروز»^۲ مشترکاً در پاریس انتشار یافته است.

ترجمه فارسی کتاب ابتدا با همان نام که از روی ترجمه فرانسوی گرفته شده بود از اول فروردین ۱۳۳۴ در مجله هفتگی «امید ایران» انتشار یافت و مورد استقبال گرم خوانندگان قرار گرفت بطوریکه پس از قریب یکسال و نیم هنوز هم مجله امید ایران انتشار آن را منظمآ دنبال میکند.

پس از چند ماه کار ترجمه من از روی متن فرانسوی پایان رسید و در صدد انتشار جداگانه آن بر آمدم. در اینوقت متن انگلیسی آنرا هم بدست آورده بودم و باین جهت بهتر دیدم که ترجمه خود را بامتن انگلیسی هم مقایسه کنم. در این مقایسه معلوم شد که ترجمه فرانسوی بامتن انگلیسی (چاپهای نوزدهم سال ۱۹۵۳ و بیستم سال ۱۹۵۴ که در اختیار من بود) تفاوت نمایان و فاحشی دارد. از جمله متن فرانسوی فقط ۰۴ صفحه بود در صورتیکه متن انگلیسی ۶۱۶ صفحه دارد. از حیث ترکیب و تعداد فصول هم تفاوت دو متن زیاد بود. متن فرانسوی از ۶۰ فصل تشکیل شده بود در حالیکه متن انگلیسی ۶۸ فصل و مقادیری هم فصول و ملحقات اضافی دارد. از آنجا که مؤلف کتاب خود را بزبان انگلیسی نوشته است و طبعاً متن انگلیسی آن اهمیت و اصالت دارد من هم کار خود را تجدید کردم و ترجمه خود را بامتن انگلیسی تطبیق دادم. بطوریکه کتاب کنونی هر چند در مجله امید ایران بانام «زندگی و زندانهای من» که از متن فرانسوی گرفته شده منتشر شده است، ترجمه کامل متن انگلیسی است که با نام «اتویو گرافی» انتشار یافته است و بوسیله بنگاه انتشارات «بادلی هد»^۳ در لندن بچاپ رسیده است. از آنجا که کلمه «اتویو گرافی» هنوز در زبان فارسی رواج نیافته است آنرا بصورت «زندگی من» در آورده ام. بسیار کوشیده ام که ترجمه نسبت به متن وفاداری کامل داشته باشد و تا آنجا که مقدور است همان صورت اصلی را حفظ کند. در عین حال برای رعایت اصطلاحات و ترکیبات خاص زبان فارسی ناچار گاهی مفاهیم و معانی بایبان فارسی تطبیق داده شده است. در ترجمه فارسی کتاب یکی از اسناد ضمیمه متن انگلیسی حذف شده است و آن نامه مفصلی است که سران کنگره در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۳۰ از زندان مرکزی بر اودا برای دو نفر از رجال سیاسی هند ارسال داشتند و در آن شرایط متار که در مبارزه «کنگره» با دولت بریتانیایی هند قید کرده بودند، چون مطالب آن نامه در فصل ۳۰ کتاب تقریباً بتفصیل بیان شده است از ترجمه و انتشار آن صرف نظر شد. در مقابل کوشیده ام تا آنجا که میسر

۱ - Denoël

۲ - Les presses d'aujourd'hui

۳ - THE BODLEY HEAD, LONDON

بوده است حاشیه‌هایی بر کتاب بیفزایم که کار مطالعه را برای خواننده ایرانی آسان سازد. حاشیه‌هایی که از طرف مترجم بر کتاب اضافه شده با امضای «م» مشخص گشته است تا با حاشیه‌های خود مؤلف اشتباه نشود.

برای تهیه این حاشیه‌ها از کتب مختلف استفاده کرده‌ام و قسمتی از آنها هم با کسب اطلاع از اعضای محترم سفارت هند در تهران و هندیان مقیم تهران تهیه شده است که در کمال صمیمیت همواره بمن کمک داده‌اند. وظیفه خود میدانم که بخاطر این همکاری‌ها و راهنمایی‌ها از همه ایشان و بخصوص از آقایان وراثت علی قدوائی، شهابت علی خان، نیکو و ماتور سپاسگزاری کنم.

همچنین برای آنکه خواننده کتاب قبل از نظری اجمالی درباره مطالب آن داشته باشد و بتواند کتاب را با ذهن آماده تر بخواند از آقای دکتر تاراچند سفیر کبیر دانشمند هند در تهران درخواست کردم مقدمه‌ئی تاریخی برای کتاب تهیه فرمایند و ایشان با وجود اشتغالات فراوان مأموریت خویش مقدمه جامع و مفصلی بزبان انگلیسی نوشتند که ترجمه قسمت منتخبی از آنرا بر کتاب افزوده‌ام امیدوارم بتوانم ترجمه کامل مقدمه مفصل ایشانرا که خود اثر جالب و نفیسی درباره تاریخ هند است بصورت یک رساله مستقل انتشار دهم. جناب دکتر تاراچند که با زبان و ادبیات ایران نیز آشنائی وسیعی دارند ترجمه فارسی مقدمه خود را شخصاً خوانده و تأیید کرده‌اند.

در فروردین ماه امسال هنگامیکه چاپ کتاب تا اندازه‌ئی پیشرفت کرده بود بوسیله نامه‌ئی که برای آقای نهر و فرستادم درخواست کردم مقدمه مخصوصی همراه باینک عکس امضا شده برای ترجمه فارسی کتاب لطف کنند و ایشان هم با وجود تمام گرفتاریها و اشتغالات مهم ملی و بین المللی خود مقدمه و عکسی ارسال داشتند که در کتاب انتشار می‌یابد و بدان ارزش و اعتبار خاصی می‌بخشد و موجب مباحثات و امتنان فراوان من است. ذکر این مطلب را برای هموطنان گرامی خود بیفایده نمیدانم که نامه من در تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۵۶ (۲۳ فروردین ۱۳۳۵) از تهران ارسال گردید و بطوریکه خوانندگان در صفحه ۲۴ ملاحظه میکنند مقدمه آقای نهر و در تاریخ ۱۸ آوریل یعنی ۶ روز بعد در دهلی نو با امضای ایشان رسیده است. این حسن توجه و سرعت اقدام برای من که در میان یک زندگی کندرو بزرگ شده‌ام واقعاً حیرت انگیز و عبرت آموز بود و یقین دارم برای خوانندگان گرامی ایرانی نیز چنین است. در واقع برای کسانی که بخواهند با پیشرفت سریع دنیای کنونی همراه و همقدم باشند لازمست که با چنین دقت و سرعتی کار کنند.

عکسی که آقای نهر و شخصاً امضا کرده و برای مترجم ارسال داشته‌اند در آغاز کتاب چاپ شده است. سایر تصاویری که در کتاب منتشر شده از کتاب بزرگی که بمناسبت شصتمین سال زندگی جواهر لعل نهر و در سال ۱۹۴۹ از طرف دولت هند انتشار

یافت نقل و اقتباس شده است .

نکته می که تذکر آنرا بخوانندگان گرامی لازم میدانم اینست که در متن کتاب بارها کلمات «دولت» یا «دولت‌هند» بکار رفته است که اغلب هم مورد حمله و انتقاد واقع شده است. باید توجه داشت که کتاب بیست سال پیش نوشته شده و در آن زمان دولت هند تحت تسلط بریتانیا قرار داشت و بوسیله دولت بریتانیا اداره میشد و در واقع خود دولت بریتانیا بود و بدینقرار طبعاً با «دولت‌هند» که پس از استقلال تشکیل شده است هیچ ارتباطی ندارد. وظیفه خود میدانم از دوستان عزیز و محترمی که در کار تهیه و ترجمه و انتشار این کتاب به من کمک داده اند و برای ترجمه و تطبیق بعضی از قسمتهای آن بامن همکاری کرده اند نیز صمیمانه سپاسگزاری کنم. مخصوصاً از خوانندگان و آشنایان و دوستانی که از دور و نزدیک مرا برای انجام این خدمت مورد عنایت و تشویق قرار داده اند سپاسگزارم. این تشویق‌ها و آن نامه‌ها و پیامهای محبت‌آمیز برای من در انجام این کار کمک موثری بوده است .

به امید آینده

هند امروز راه روشنی برای خود برگزیده است که بامتانت و ثبات قدم و سرفرازی در آن پیش میرود .

دوستی استوار و ارتباط نزدیک ما با ملت هند مسلماً بنفع ملت های ماست اما فقط دوستی و ارتباطی استوار و مستحکم است که بر اساس شناختن و تفاهم واقعی تکیه داشته باشد .

ملت های ما باید روابط کهن و باستانی خود را بشکل نوین تجدید کنند و زندگی کنونی یکدیگر را بخوبی بشناسند تا بتوانند همراه و همقدم بسوی آینده بروند .
با نفوذ قدیمی که فرهنگ و ادبیات فارسی در هند دارد ، هندیان برای شناختن ایران مساعی فراوانی بکار میبرند و کتب و رسالات بسیاری درباره ایران در هند انتشار می یابند . ما نیز باید برای شناختن هند کوشا باشیم و از برادران هندی خود عقب نمانیم . امیدم اینست که کتاب کنونی که به موطنان گرامی تقدیم میگردد بتواند برای شناساندن هند نوین و زاهی که دنبال میکند مؤثر افتد . همچنین امیدوارم کتسابهای دیگری نیز بزبان فارسی منتشر شود که باین منظور عالی کمک دهد .

یقین است که دو ملت بزرگ و باستانی ایران و هند در کنار هم و دست در دست هم خواهند توانست بهتر و آسانتر در راه آینده به پیش بروند و کامیاب تر باشند .

محمود تفضلی

تهران شهریور ۱۳۳۵

مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب اتوپیوگرافی اثر جواهر لعل نهرو

هند نیمه قرن بیستم در افکار و در اعمال خود مظاهر بسیاری از نخستین دورانهای تاریخ خود را همراه دارد. در مذهب و مراسم مذهبی، در قوانین و اخلاق و سازمان اجتماعی، در زبان و افکار و در زندگی روزانه میلیونها نفر مردم هند معاصر آثار دوران باستانی خود را نمایانست. هند امروز ریشه‌های عمیقی در گذشته دارد و برای درک و شناختن آن باید بگذشته او نگریست و دانست که زندگی او در ایام سابق چگونه بوده است.

برای این منظور نظری به تاریخ و تمدن کهن و باستانی هند در طول دورانهای مختلف ضروریست اما متأسفانه در فرصت محدود مقدمه یک کتاب نمیتوان به چنین موضوع پراهمیتی پرداخت. بخصوص که تاریخ هند، هم بسیار قدیمی و هم بسیار متنوع و پرماجر است. کتاب «کشف هند» اثر پرارزش جواهر لعل نهرو، هند و تاریخ هند را چنانکه باید به خواننده مینمایاند و من امید بسیار دارم که آن کتاب نفیس بزودی بزبان فارسی ترجمه شود و دوستان ایرانی میتوانند با مطالعه آن هند را بهتر بشناسند.

کتاب اتوپیوگرافی جواهر لعل نهرو که اکنون ترجمه فارسی آن انتشار می‌یابد هر چند که بخاطر جامع بودن خود و وسعت و تنوع مطالبی که در بردارد از نظر تاریخ و مخصوصاً تاریخ تمدن هند بسیار پرارزش می‌باشد اما بیشتر تاریخ دورانی از زندگی ملت هند است که در آن مبارزه بخاطر آزادی و استقلال در تحت رهبری مهاتما گاندی توسعه و عمق یافت و عاقبت به پیروزی رسید.

این کتاب وسعت و عمق این مبارزه بزرگ را که ملت باستانی هند با پیروزی به پایان رساند کاملاً نمایان می‌سازد و عظمت تلاش عمومی و فداکاری‌ها و جانفشانیهای طبقات مختلف ملتی را که با دلیری راه استقلال خود را دنبال میکرد منعکس می‌سازد.

بدینقرار این کتاب بیش از آنکه تاریخ هند باشد تاریخ حوادث چهل سال اول قرن کنونی هند است و بهمین لحاظ شاید مناسب‌تر آن باشد که در فرصت محدود این مقدمه نیز بهمین فصل از تاریخ هند بیشتر توجه شود.

هند باستانی

تمدن هند از ماقبل تاریخ و از هزاره سوم پیش از میلاد آغاز می‌گردد. آثار باستانی که در زیر خاک‌های نواحی شمال غربی هند باقیست و خرابه‌های کهن سالی نظیر «موهنجو دارو» و «هاراپا» بقایای این تمدن قدیمی را در دل خود حفظ کرده‌اند.

مهاجرت اقوام آریائی به هند در هزاره دوم پیش از میلاد صورت گرفت. اقوام آریائی که از آسیای میانه به هند سرآزیر شدند خویشاوندان همان اقوام و قبایل آریائی بودند که قسمتی از آنها بایران آمدند و در خراسان و آذربایجان مستقر شدند و بعد در جنوب ایران هم منبسط گشتند و قسمت دیگرشان هم به آسیای صغیر راه یافتند و بعدها به اروپا مهاجرت کردند و مجموع آنها اقوام هند و آریائی نامیده میشوند.

اقوام آریائی که به هند وارد شدند بتدریج بسوی جنوب و مشرق گسترش یافتند و از راه آمیزش با مردم بومی و محلی تمدنی بزرگ بوجود آوردند که دامنه آن در سراسر هند بسط یافت و بنام تمدن «ودی» نامیده میشود و آثار و نوشته‌ها و ادبیاتی که از آن زمان باقیست آنرا منعکس می‌سازد.

این تمدنیست که پیش از ظهور «بودا» در حدود یک هزار سال طول کشید و تأثیرات آن تا امروز هم باقیست و مظاهر آن در متن‌های کتب مقدس هندی و آثار پر بهائی نظیر «اوپنیشدها» مسطور است.

با ظهور آئین «بودائی» و آئین «جینی» در حدود ۲۵۰۰ سال پیش، یک دوران جدید از تمدن هند آغاز می‌گردد. در این دوران جدید است که تماس‌های پادشاهان هخامنشی با مرزهای هند صورت می‌گیرد، اسکندر در جهانگشائی خود تا هند میرسد و در مقابل مقاومت هندیان عقب می‌نشیند، و پادشاهان بزرگ و با ذکاوتی چون «آشوکا» (۲۷۳ تا ۲۳۶ پیش از میلاد) ظهور میکنند.

بسیاری چیزها که امروز هم در هند هست یادگار آن زمانهاست. نشان چهارشیر که پشت بهم داده‌اند و به چهارسو نگاه میکنند و اکنون مانند شیرو خورشید که نشان رسمی دولت ایرانست علامت رسمی دولت هند میباشد یادگاری از آثار همان عهد است. همچنین در متن‌های باستانی قوانین زمان آشوکاست که گفته شده است «هیچ وظیفه‌ئی عالتر از خدمت برای رفاه تمام دنیا وجود ندارد». صفات و خصال بزرگی مانند خویشن‌داری، غلبه بر نفس، فداکاری، خدمت‌گذاری برای دیگران و برای رسیدن به مراحل عالی کمال روحانی و آنچه مهماتما گاندی به مردم هندی آموخت نیز ریشه‌های بسیار قدیمی دارد که تا آن عهدهای باستانی پیش میرود.

پس از دوران قدیم عظمت و اعتبار هند دورانهای دیگری فرا میرسد، سلسله‌های

متعددی زمام امور را در دست میگیرند و چندین بار سراسر سرزمین پهناور هند از هیمالا یا تا دریا های جنوبی وحدت حکومتی پیدا میکنند، مرز های دولت هند تا حدود برمه و افغانستان و بلوچستان توسعه می یابد، قبایل گوناگون و افکار گوناگون از خارج به هند نفوذ میکنند، قبایل زرد پوست هون و جنگجویان مسلمان ترك به هند میسازند، زمانی هند در برابر هجومهای خارجی مقاومت میکند و گاهی مهاجمین تا داخل سرزمین های هند پیش می آیند، اما همواره تمدن هندی مهاجمین خارجی را در خود تحلیل میبرد و بدین شکل همان تمدن باستانی با رنگها و حالات مخصوص خود در طول قرون متمادی ادامه پیدا میکند. آثار تاریخی گوناگون نقاشی و معماری و مجسمه سازی، از صورتهای دلفریبی که در غار آجانتا ترسیم شده تا معابد پرشکوهی که در سراسر خاک هند بر پا گشته، همه مظاهر این فرهنگ تاریخی و پر عظمت و یادگارهای دورانیهای مختلف تمدن هند هستند.

نفوذ اسلام در هند که با لشکرکشی های محمود غزنوی آغاز گردید يك عنصر جدید را در جامعه هندی بوجود آورد که بیسابقه بود و عواقبی داشت که تاثير آنها نیز تا امروز باقی مانده است. تا آن زمان هر فکر و هر نفوذ که از خارج به هند می آمد با فلسفه و فکر هندی بهم می آمیخت و حالت محلی بخود میگرفت. اسلام معتقدات و سازمان اجتماعی خاصی داشت که ساخته و پرداخته بود و پیروان هندی خود را بخارج و به کعبه می دور از هند متوجه میساخت و يك شکل زندگی جدید را ب مردم عرضه میداشت. اما حتی معتقدات اسلامی هم در اثر تماسها و برخوردها با فلسفه و تمدن هندی درهم آمیخت. تصوف و عرفان اسلامی زائیده همین برخورد و این اختلاط فرهنگی است. هند در طول یک هزار سال با مذهب و فلسفه اسلامی در تماس دائمی بود و در مدت پانصد سال سلاطین و فرمانروایان مسلمان بر قسمت های وسیعی از هند یا بر سراسر هند حکومت کردند.

آخرین خاندان معروف پادشاهان مسلمان هند سلاطین مغول بودند. «بابر» یکی از نوادگان تیمور که از کابل به هند آمد، همزمان با سلطنت صفویان در ایران، امپراطوری مغولان هند را بوجود آورد و فرزندان و نوادگان او، اکبر، جهانگیر، شاهجهان و اورنگ زیب از بزرگترین پادشاهان هند بشمار میروند.

در زمان اورنگ زیب بود که امپراطوری بزرگ مغولان هند رو بضعف و انحطاط نهاد، وحدت هند از دست رفت، شاهزادگان و امرای محلی بر قابت با یکدیگر پرداختند و این عوامل باضافه ضعف های تاریخی دیگر سبب شد که هند در برابر نفوذ جدیدی که از غرب و از اروپا می آمد از پا در آید و عاقبت صورت يك مستعمره را پیدا کند.

نفوذ استعمار در هند

بدنبال رونق دریا نوردی و کشف راههای جدید دریائی جنوب آفریقا از قرن

شانزدهم بیعد یای اروپائیان به هند باز گشت .

در طی قرون سابق تمام اقوام و قبایلی که به هند راه یافتند از راه معابر شمالی و از روی قاره آسیا آمده بودند اما در این دوران جدید نژاد های تازه می از راه دریاها به هند رسیدند . باین ترتیب بود که پرتغالیها، هلندیها، فرانسویها و انگلیسیها به هند راه پیدا کردند و کوشیدند با تصرف هند امپراطوری خود را بنیان گذارند .

در قرن هفدهم هلندیها و فرانسویها و انگلیسیها برای نفوذ در هند با یکدیگر رقابت میکردند تا اینکه ابتدا هلندیها و بعد فرانسویها از هند خارج شدند و در حدود نیمه قرن هجدهم هند تقریباً قلمرو انحصاری نفوذ و تسلط بریتانیا شد .

در آن زمان اوضاع و احوال برای چنین تسلط خارجی موافق بود . يك حکومت مرکزی در هند وجود نداشت ، رقابت های داخلی شاهزادگان و تحریکات حقیرانه آنها نفوذ خارجی را تسهیل میکرد و باین جهات انگلیسیها توانستند به آسانی و سهولت بر هند مسلط شوند .

نفوذ بریتانیا ابتدا بصورت فعالیت « کمپانی بازرگانی هند شرقی » آغاز گردید که در عین حال همچون يك سازمان سیاسی در سر نوشت میلیونها نفر مردم هند هم دخالت میکرد . عدال کمپانی با نفوذ در ایالت بنگال و شرکت در تحریکات و دسته بندیهای درباریان و امرای محلی توانستند مقاومت « سراج الدوله » آخرین حکمران هندی بنگال را درهم بشکنند و با پیروزی بر او در « پلاسی » (۱۷۵۷) راه تسلط و نفوذ کامل خود را بر هند هموار سازند . از آن پس نفوذ انگلیسیها با سرعت در سراسر هند بسط یافت . در اوایل قرن نوزدهم دهلی بتصرف آنها در آمد و حتی نفوذشان در نواحی غربی هند هم استوار شد . در آن موقع تنها پنجاب بود که هنوز از زیر نفوذ انگلیسیها بیرون مانده بود و در آن ناحیه « سیک ها » برای خود حکومتی مستقل داشتند . اما قدرت سیک ها هم در سال ۱۸۴۹ درهم شکست و بدینقرار در نیمه قرن نوزدهم سراسر هند در تحت نفوذ بریتانیا قرار گرفت .

انقلاب ۱۸۵۷

از دست رفتن استقلال و اجبار بگردن نهادن به یوغ اسارت خارجی هیجانانگیزی در هند بوجود آورد که در سال ۱۸۵۷ صورت يك انقلاب و عصیان بزرگ را بخود گرفت . در آن ماجرای تاریخی عده می از هنگهای هندی از اطاعت فرماندهان انگلیسی خود سرپیچی کردند و به « شاه عالم » آخرین امیر از خاندان مغولان هند که در دهلی بود تسلیم شدند و حوادث دامنه دار و خونینی روی داد . اما این قیام در واقع آخرین تلاش يك سیستم مختصر بود و به آسانی درهم شکست . پس از این قیام وضع هند تغییر اساسی یافت . کمپانی انگلیسی هند شرقی که تا این زمان امور هند را در دست داشت منحل گردید و دولت انگلستان

اداره امور هند را مستقیماً بعهده خود گرفت .

سازمان اداری هند در آنوقت تقریباً بهمان صورت سازمان امپراطوران مغول بود. واحد تشکیلات ولایت بود و چند ولایت با هم یک ایالت را تشکیل میدادند و ایالت هم تحت نظارت و رهبری فرمانروای کل هند قرار داشت که با کمک یک شورای دولتی محدود وظیفه دولت مرکزی را عهده دار بود . فرمانروای کل معمولاً از طرف کمپانی هند شرقی و با موافقت دولت بریتانیا تعیین میگشت. وقتیکه هند رسماً ضمیمه سلطنت و دولت انگلستان شد در خود انگلستان یک وزارت امور هند تشکیل شد که وزیر آن عضو کابینه بریتانیا بود . فرمانروای کل با عنوان نایب السلطنه و حکمرانان ایالات از طرف دولت بریتانیا تعیین میگشتند. مأمورین رسمی، قضاة عالی، فرمانداران ولایات و بخش‌ها همه انگلیسی بودند و از طرف اداره‌ئی که در انگلستان بنام «خدمات اداری هند» تأسیس شده بود انتخاب میشدند. بعدها که به هندیان نیز اجازه داده شد بعضی مقامات عمده را احراز کنند آنها نیز باید بوسیله همین اداره انگلیسی انتخاب میشدند .

وظایف سیاست خارجی، دفاع، ارتباط، حمل و نقل، قوانین مالیاتی همه بعهده دولت مرکزی هند بود که زیر اداره مستقیم دولت بریتانیا قرار داشت. در ایالات یک نوع اختیارات محدود محلی برای حفظ نظم، دریافت مالیاتها، امور شهرداری، آموزش و پرورش و بهداشت و نظایر آنها وجود داشت. در بعضی قوانین جنائی و مقرراتی که با عرف و عادات ارتباط داشت مانند ازدواج و ارث و غیره در هر ناحیه موافق رسوم محلی و عقاید مذهبی همانجا عمل میشد .

از آنزمان در هند دو سیستم حکومتی مختلف وجود داشت یکی قسمتی که دولت اصلی هند یا هند بریتانیا نامیده میشد و شامل یازده ایالت بود که هر کدام یک فرماندار انگلیسی داشت و همه آنها در تحت حکومت دولت مرکزی قرار داشتند؛ دیگری قسمتی از هند که از حکومت‌های کوچک و بزرگ شاهزادگان و مهاراجه‌ها تشکیل میشد که تعدادشان به حدود ۶۰۰ دولت محلی میرسید و هر یک جداگانه با دولت بریتانیا و حکومت مرکزی هند پیمانهای اتحاد داشتند و بطور غیر مستقیم زیر نفوذ دولت انگلستان بودند .

در قسمتی از هند که بصورت دولت‌های مستقل محلی و تحت حکومت شاهزادگان هندی بود نیز وظایف سیاست خارجی و دفاع که اساسی ترین مسائل حکومت بود بعهده دولت مرکزی هند و زیر نظر دولت بریتانیا قرار داشت. شاهزادگان مزبور در داخل قلمرو خود با اختیارات تام یک نوع حکومت فتو دالی و قرون وسطائی را ادامه میدادند.

در وضع این دولت‌های شاهزادگان هند تا زمان استقلال تغییری روی نداد اما در ایالات هند بریتانیا بتدریج تحولاتی روی میداد. در دولت مرکزی یک مجمع قانونگذاری

مشورتی و در ایالات، شوراهای ایالتی تأسیس گشت که هندیان در آنها شرکت میکردند اما همواره هم‌نایب‌السلطنه و هم حکمرانان استانها میتوانستند و چون این مجالس را نادیده بگیرند و نظر آنها پیش از مصوبات این شوراها ارزش داشت. در واقع تسلط بریتانیا بر هند صورت يك نوع حکومت مطلقه و دیکتاتوری را داشت که اراده مردم هند در آن اثری نمیگذاشت.

سالهای تحول

نود سالی که از ۱۸۵۸ (پس از انقلاب ۱۸۵۷) تا ۱۹۴۷ (سال استقلال هند) طول کشید انقلابی ترین سالهای تاریخ هند میباشد. در تمام طول تاریخ هند هرگز در مدتی چنین کوتاه تحولاتی چنین وسیع و عمیق صورت نگرفته بود. این تحولات زندگی عموم افراد ملت را چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ خارجی دگرگون ساخت.

در این سالها بود که بر اثر نفوذ تمدن جدید غربی تمایلات تازه ملی در هند بیدار شد، مظاهر تمدن فنی و صنعتی غرب مانند تلگراف و راه آهن و صنایع و فنون و کارخانه‌ها و غیره زندگی هند را دگرگون ساخت، ادبیات و افکار غرب که با فلسفه و افکار باستانی هند تفاوت‌نمایی داشت هندیان را بیدار ساخت و به تکان آورد، احساسات ملی و استقلال طلبی رشد و توسعه یافت، مبارزه بخاطر استقلال آغاز گردید و بالاخره به تأمین استقلال کامل هند منتهی شد.

کتاب اتوبیوگرافی جواهر لعل نهرو که اکنون در دسترس خوانندگان ایرانی قرار میگیرد نه فقط شرح زندگی خود اوست که در این مبارزه یکی از رهبران صمیمی و فعال بوده است بلکه در واقع تاریخ همین تحول و مبارزه بزرگ و تاریخی میباشد که خود او نیز در قلب آن قرار داشته است.

کتاب اتوبیوگرافی نهرو در فصول مختلف خود چگونگی این تحول و رشد احساسات و عواطف ملی و جریانات فکری را باروشنی بیان میدارد و خواننده در آن بخوبی می‌بیند که چگونه ملت هند پس از مدتها تسلط نیروی استعمار خارجی کم‌کم بیدار میشود، پیاپی خیزد، براه می‌افتد، به پیش میرود، تلاش میکند، قربانی میدهد، از مراحل مختلف آزمایشها و مبارزه‌های دشوار میگذرد و قدم به قدم به منظور و هدف بزرگ خود نزدیک میشود. در سال ۱۸۵۸ هند ضمیمه امپراطوری انگلیس شد و ملکه ویکتوریا پادشاه انگلستان امپراطریس هند لقب یافت. حکومت انگلستان سازمان وسیعی برای اداره هند بوجود آورد که بتدریج تسلط خود را استوارتر میساخت، مردم هند هم کسه کم‌کم بیدار میشدند و مقتضیات دنیای جدید را درک میکردند با آرزوی فروخفته آزادی به تشکیل سازمانهای سیاسی مختلفی برای احیای اعتبار و حیثیت از دست رفته خود میپرداختند

بدین قرار بود که سازمانهای سیاسی متعددی در نواحی مختلف هند و مخصوصاً در بنگال و بمبئی و مدرس بوجود می آمد .

این تحولات تدریجی که در هند صورت میگرفت با تغییرات و تحولاتی که در خود انگلستان حاصل میشد همزمان و همراه بود . اصلاحاتی که در سالهای ۱۸۶۷ و ۱۸۸۴ در قوانین انگلستان انجام شد در تحولات هندی اثر داشت .

همچنین تغییراتی که در صحنه سیاست بین المللی روی میداد در وضع هند هم اثر میگذاشت . پیشرفت روسهای تزاری در آسیای میانه و تحکیم قدرت استعماری تزارها ، انحطاط سریع امپراطوری ترکهای عثمانی ، تمایلات استعماری فرانسویان برای تسلط بر شمال آفریقا و مصر و سودان و آسیای جنوب شرقی ، وحدت آلمان در اروپا و نظایر این وقایع همه عواملی بود که کمابیش موقعیت امپراطوری بریتانیا را تهدید میکرد . مخصوصاً که حیات اقتصادی و صنعتی بریتانیا بر اساس تملک مستعمرات بنا شده بود و میبایست حتی مواد غذایی و مواد اولیه صنعتی خود را هم از آنها تهیه کند .

کنگره ملی هند

وقتی که انقلاب ۱۸۵۷ هند درهم شکست انگلیسیها که هند را رسماً ضمیمه دولت خود ساختند در آنجا با مردمی ناراضی و مشکلاتی فراوان روبرو بودند و بدین جهت در تحت تأثیر تغییرات داخلی و حوادث جهانی ناچار امتیازات مختصری به هندیان اعطا کردند و به آنها اجازه دادند که در انتخابات شهرداریها شرکت کنند و بعضی مقامهای کوچک و غیر حساس را بدست آورند و میخواستند باین ترتیب آنها را آرام سازند اما این کوششها کافی نبود و احساسات خصمانه هندیان را تسکین نمیداد . باین جهت بود که بعضی از انگلیسیان دوران پیش در تحت تأثیر افکار لیبرالی که در آن زمان در انگلستان رواج داشت معتقد بودند که برای احتراز از خطرات آینده و تسکین احساسات هندیان باید بایشان اجازه داده شود که سازمانهای دموکراتیکی بوجود آورند و در آنها به مباحثه و گفتگو پردازند و نظر خویش را اظهار کنند و به دولت هندتد کر گردند . در میان این انگلیسیان «آلان اوکتاویان هیوم» از همه فعالتر بود و کوشید تا رهبران سازمانهای مختلف سیاسی در ایالات مختلف هند را بیکدیگر نزدیک سازد و از اجتماع آنها يك سازمان واحد ملی بوجود آورد که مظهر تمایلات ملی تمام هند باشد . این اجتماع برای نخستین بار در ۲۸ ماه دسامبر سال ۱۸۸۵ در شهر بمبئی تشکیل گردید و بدین شکل «کنگره ملی هند» بوجود آمد که سازمان رهبری کننده آینده در راه تأمین استقلال ملی گردید .

از آن زمان به بعد هر سال یکبار مجمع عمومی کنگره در همان اوقات و هر بار در یکی از شهرهای هند برپا میشد . سازمان کنگره ملی هند بتدریج اعتبار و اهمیت بیشتر

پیدا کرد و بر تعداد اعضای آن افزوده شد. کنگره ملی هند همانطور که از اسم آن پیداست یک سازمان وسیع و ملی بود که در آن عموم طبقات و مخصوصاً طبقات متوسط بدون تمایز اعتقادات مذهبی شرکت میکردند. عقاید مذهبی در آن راه نداشت و فقط مباحث سیاسی و گاهی هم اجتماعی در آن مورد بحث قرار میگرفت.

در مجمع عمومی سالیانه کنگره اغلب بیش از دوهزار نماینده از سراسر هند شرکت می‌جستند و در پایان کار و مباحثات خود یک کمیته محدود بنام «کمیته کنگره ملی هند» و یک رئیس برای مدت یکسال انتخاب میکردند و اعضای کمیته که تعدادشان در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر بود یک کمیته عامله بر میگزیدند که با اتفاق رئیس کنگره دستگاه رهبری این سازمان را تشکیل میداد.

تاریخ کنگره در واقع تاریخ مبارزه ملت هند در راه استقلال میباشد. این تاریخ را میتوان به دو دوره متمایز تقسیم کرد. دوره اول که هفت سال طول کشید و در ۱۸۹۲ پایان یافت دورانی بود که فرمانروای کل هند و مقامات انگلیسی به کنگره خوشبین بودند، میخواستند هندیان را تا حدودی در شوراهای دولتی و مجامع قانونگزاری شرکت دهند و بگذارند که آنها درباره بودجه و اقدامات دولت مباحثه و گفتگو کنند. اما بعلت روش ظالمانه و استعماری دولت بریتانیا و مالیاتهای سنگین که بر ملت هند تحمیل میشد کنگره و مطبوعات هند که مظهر تمایلات ملی بودند با انتقادات شدید میپرداختند و اعتراض میکردند. دولت بریتانیا برای رقابت با روسیه تزاری که در آسیای میانه پیش میرفت خواست افغانستان را نیز ضمیمه هند سازد اما در جنگهایی که باین منظور انجام میگرفت شکست یافت. از سوی دیگر چون فرانسویها در هندوچین مستقر شدند دولت بریتانیا بر مه را متصرف شد و ضمیمه هند ساخت. مخارج تمام این قشونکشیها و عواقب ناگوار آن بر دوش مردم هند تحمیل میشد و آنها را ناراضی میساخت و با انتقاد و اعتراض و امید داشت. نتیجه آن شد که از سال ۱۸۹۲ دوران جدیدی در تاریخ کنگره آغاز شد. دولت بریتانیا و کنگره ملی هند در مقابل هم قرار گرفتند و کشمکشهایی میان ایشان بوجود آمد که تا سال ۱۹۱۹ و پایان جنگ جهانی اول و بعد از آن نیز تا زمان استقلال هند طول کشید.

در آن دوران ابتدا هندیان خواهان آزادی و خود مختاری در داخل امپراطوری بریتانیا بودند و امید داشتند که از راه رجوع بوجدان بریتانیا باین نتیجه برسند اما فرمانروایان و اربابان هند بهیچوجه چنین چیزی را نمی‌پذیرفتند و اصولاً امپراطوری بریتانیا بدون هند برای ایشان تصور ناپذیر بود.

عمال دولت بریتانیا برای مقابله با تمایلات ملی مردم هند گاهی بزور و خشونت متوسل میشدند و زمانی با اصلاحات اداری می‌پرداختند و در عین حال همیشه میکوشیدند که

درداخل هند جدائی و تفرقه را دامن بزنند و باین جهت پیروان مذاهب مختلف را برضد یکدیگر تحریک میکردند.

در دوران ممتدی از این زمان حزب محافظه کارانگلستان زمامدار دوات بریتانیا بود و نقشه‌های تجاوز آمیز امپریالیستی و استعماری خود را در سراسر جهان دنبال میکرد که بار عمده آنها هم بردوش هند می افتاد. هزینه‌های جنگ‌های سودان (۱۸۹۶) جنگ‌های بوئر (۱۸۹۹ تا ۱۹۰۲) جنگ چین (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۱) و غیره همه از کیسه ملت فقیر هند بیرون کشیده میشد و مردم هند را ناراضی تر میساخت. از سوی دیگر جمعیت هند با سرعت افزایش می یافت بطوریکه از سال ۱۸۹۱ تا ۱۹۱۷ از ۲۵۰ میلیون نفر به ۳۱۵ میلیون نفر رسید. دولت بریتانیا یک ارتش عظیم در هند نگاهداری میکرد که هزینه هنگفت آن هم بر ملت هند تحمیل میشد. هر سال ۷۷۵ روپیه خرج داشت در صورتی که در خود انگلستان هزینه یک سرباز از ۲۸۵ روپیه تجاوز نمیکرد. باینقرار میتوان حساب کرد که چه بار سنگینی بردوش مردم هند فشار می آورد.

این روشهای ناگوار باز مامداری لرد کرزون که از ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۵ نایب السلطنه هند بود باوج خود رسید. کرزون با نطق‌های اهانت آمیز و سیاست کوتاه نظرانه خود مردم هند را بعصیان و امیداشت. در زمان او بود که بنگال بزرگترین و پراهمیت‌ترین ایالت هند بدو بخش قسمت شد که در یک بخش آن هندوان اکثریت داشتند و در بخش دیگر آن مسلمانان. این عمل نارا که هندیان را سخت خشمگین ساخت از همان وقت فکر تقسیم هند را بدو قسمت مسلمان و غیر مسلمان بوجود آورد، بطوریکه هر چند بر اثر مساعی مردم هند و مبارزات دامنه دار ملی بالاخره آن تقسیم از میان رفت اما آن فکر تا ساله باقی ماند و به تقسیم هند در زمان استقلال منتهی گشت.

این عوامل مختلف در نخستین سالهای قرن کنونی هندیان را به عصیان برضد بریتانیا برمی انگیزخت. درخواست سواراج (استقلال) از هر سو شنیده میشد و روشهای گوناگون برای مبارزه اتخاذ میگشت مانند تحریم کالاهای انگلیسی، مصرف کردن کالاهای وطنی و نظایر آن. پیشوایانی مانند تیلک در « مهاراشترا » (پونه) لچیت رای در پنجاب (لاهور) بین چندرا پال و آرا ویندو گوش در بنگال (کلکته) رهبران معروف نهضت ملی بودند و یک عده از جوانان بر شوره هم سازمانهای مخفی تروریستی تشکیل دادند.

پاسخ بریتانیا در مقابل تظاهرات وسیع و فعالیت های شدید مردم هند بدو صورت بود، از یکسو تضيیقات و فشارهای دامنه دار انجام میگرفت، سران نهضت مورد تعقیب واقع میشدند و بزندان میرفتند یا تبعید میگشتند و از سوی دیگر کابینه لیبرال انگلستان بفکر اصلاحاتی در وضع اداری هند افتاد و تصمیم گرفت یک مجمع قانونگزاری وسیع تر در مرکز و شوراهائی

در ایالات بوجود آورد. «مورلی» وزیر امور هند در کابینه انگلستان و «لرد مینتو» نایب السلطنه انگلستان در هند مشترکاً این طرح را تهیه کردند. اما در همان زمان بنا بر سیاست معروف «تجزیه کن و حکومت کن» دولت انگلستان بتشویق مسلمانان برای مقابله با هندوان پرداخت و آنها را برانگیخت که سازمانهای مستقل و جداگانه‌ی تشکیلی دهند و بدین شکل بود که در سال ۱۹۰۶ سازمان «مسلم لیگ» (جامعه مسلمان) بوجود آمد. مسلمانان تشویق میشدند که درخواست کنند در انتخابات و در مجالس قانونگذاری و شوراهای ایالتی جداگانه شرکت جویند. آقاخان در رأس هیئتی از مسلمانان چنین درخواست‌هایی را بدولت عرضه میداشت.

بالاخره در سال ۱۹۰۹ طرح اصلاحات «مورلی - مینتو» اجرا شد. بر تعداد شوراهای دولتی افزوده گشت. در شورای امپراطوری کمتر از نصف اعضا از راه انتخابات تعیین میشدند و اکثریت انتصابی بودند در شوراهای ایالتی اکثریت اعضا بوسیله انتخابات تعیین میگشتند. اما در هر حال دولت هند و حکومت‌های ایالات در برابر این مجالس قانونگذاری و شوراهای دولتی بهیچوجه مسئولیتی نداشتند و وجود آنها فقط جنبه مشورتی داشت. علاوه بر انتخابات جداگانه و شرکت جداگانه مسلمان و هندوان و سایر فرقه‌های مذهبی نیز بقوت خود باقی بود.

این اصلاحات کنگره ملی هند را بدو گروه تقسیم کرد. یکدسته که «اعتدالی» نامیده شدند و تمایلات لیبرالی داشتند با این اصلاحات موافقت داشتند و معتقد بودند که از همین راه میتوان تدریجاً پیشرفتهائی بدست آورد و در داخل امپراطوری بریتانیا به خود مختاری رسید. همین دسته هستند که در کتاب حاضر بارها از ایشان بنام «اعتدالی‌ها» و «لیبرال‌ها» یاد شده است و روش ایشان مورد سنجش و انتقاد قرار گرفته است.

گروه دوم این اصلاحات را برای هند کافی نمیدانستند و رد میکردند و خواستار خود مختاری و استقلال کامل بودند. این گروه بودند که بنام «افراطیها» معروف گشتند. حوادث بحرانی سالهای پیش از جنگ جهانی اول و شدت هیجانات هند بریتانیا را ناچار ساخت که بالاخره تقسیم سال ۱۹۰۵ بنگال را ملغی سازد و همچنین پایتخت حکومت هند را از کلکته که بوسیله انگلیسیها تشکیل شده بود به دهلی که پایتخت باستانی هند بود منتقل سازد.

تلاش بخاطر استقلال

در سالهای جنگ جهانی اول مردم هند بامید اینکه پس از جنگ بتوانند استقلال خود را بدست آورند به همکاری با دولت بریتانیا پرداختند و بخاطر برقراری دموکراسی جهانی در جنگ بر ضد قدرت دیکتاتوری آلمان شرکت جستند. کنگره ملی هند در سال

۱۹۱۵ درخواست کرد که در هند يك « حکومت مردم برای مردم و بوسیله مردم » وجود آید و این شعار حتی مسلمانان را با کنگره موافق ساخت .

در سال ۱۹۱۶ خانم آنی بسانت « جامعه خود مختاری هند » (هوم رول لیگ) را تأسیس کرد و در دسامبر آن سال کنگره ملی و جامعه مسلمین هر دو جلسه سالیانه خود را در شهر لکنهو تشکیل دادند و اعلام داشتند که استقلال و خود مختاری هندهدف مشترك هر دو سازمان میباشد . این توافق و هماهنگی میان دو سازمان بزرگ هند يك واقعه پراهمیت و تاریخی بود .

در اوت سال ۱۹۱۷ « مونتآگ » وزیر امور هند در کابینه بریتانیا اعلام داشت که سیاست دولت انگلستان آنست که به تدریج دولت مسئولی در هند روی کار آید و در همان سال سفری به هند آمد و با همکاری « لرد چلمسفورد » نایب السلطنه هند طرح اصلاحات جدیدی را تهیه کرد که در سال ۱۹۱۹ پارلمان انگلستان آن طرح را تصویب کرد و بنا بر آن اصلاحات مختصری در هند صورت میگرفت اما هند همچنان بصورت مستعمره بی تحت تسلط کامل بریتانیا باقی میماند .

تصویب این قانون و این جریانات مردم هند را بکلی مأیوس ساخت و برایشان روشن ساخت که بریتانیا به بهانه آنکه هند هنوز نمیتواند دولت خود مختاری داشته باشد با استقلال هند موافقت نخواهد کرد . در همان موقع قوانین خفگان انگیز و شدیدتی بنام « قوانین رولات » وضع گشت که بدولت مرکزی هند اجازه میداد هر نوع انتقاد و مخالفتی را با خشونت از میان ببرد و خاموش سازد .

در این موقع حساس بود که گاندی وارد صحنه سیاست هند گردید . گاندی که در نخستین سالهای قرن در افریقای جنوبی بود و در آنجا مبارزه عدم خشونت را برای احقاق حقوق هندیان مقیم آنجا با موفقیت زهبری کرده بود در اوایل جنگ به هند بازگشت و در سال ۱۹۱۹ موقعی که دولت بریتانیا با آن طرز ناشایسته به آرزوهای استقلال طلبانه مردم هند پاسخ میگفت بدفاع از حیثیت هند پرداخت .

در آن موقع هند يك حالت بحرانی را میگذراند . عکس العملهای گوناگون مردم هند در برابر روش دولت بریتانیا ثمری نمیداد . عدم همکاری، تحریم کالاهای انگلیسی و تولید اشکالات اقتصادی بجائی نمیرسید . عملیات تروریستی بشدت سرکوبی و خفه میشد و قیام مسلحانه هم غیر ممکن بود . در چنین وضعی بود که گاندی پیام نبوغ آمیز خود را برای مبارزه عدم خشونت که آنرا « ساتیا گراها » و قدرت حقیقت می نامید منتشر ساخت . گاندی دعوت کرد که در مقابل نیروی خشن دشمن متجاوز با قدرت تحمل رنج و فداکاری در راه حق و باروش عدم خشونت مبارزه شود .

با ظهور گاندی در روی صحنه سیاسی هند دوران جدیدی از تاریخ ملت هند آغاز گردید که بالاخره با استقلال منتهی گشت .

کتاب حاضر مخصوصاً به بیان حوادث همین دوران حساس و جریانهای عمده آن اختصاص یافته است و نشیب و فراز مبارزات وسیع و عمیقی را که تحت رهبری مهاتما گاندی در مدت یک ربع قرن جریان داشت در برابر خواننده قرار میدهد .

همکاری مسلمانان و هندوان در نخستین سالهای پس از جنگ جهانی اول، پشتیبانی هندوان از دعای مسلمانان در ماجرای خلافت اسلامی، نهضت نافرمانی که بوسیله عدم پرداخت مالیاتها در «باردولی» و رهبری گاندی آغاز گشت، بازداشت های دسته جمعی، کشتارهای خونین جالیانوالاباغ، و بسیاری از حوادث دیگر که در تاریخ استقلال هند وقایع پراهمیتی است همه در کتاب بیان شده است.

نخستین نهضت ساتیاگراها نتوانست آزادی هند را تامین کند اما هند را بشکلی قاطع متوجه استقلال ساخت و آنرا هدف نهائی نهضت ملی هند قرار داد . هند در این مبارزات انضباط و فداکاری و بی اعتنائی به زندان و مرگ را آموخت و بدین طریق قدم بزرگی به پیش برداشت.

بدنبال آن ماجراها پنجسال ناآرام توأم با محرومیت ها و ناکامی ها گذشت . در درون کنگره حزبی بنام «حزب سواراج» بر رهبری «موتی لعل نهرو» پدر جواهر لعل نهرو و «چیتا رانجن داس» تشکیل شد که بر نامه آن شرکت در انتخابات مجالس قانونگذاری و شوراهای ایالتی و مبارزه از داخل این شوراهای بود.

دولت بریتانیا برای تحکیم بنیان تسلط استعماری خود که متزلزل شده بود و برای ایجاد تفرقه در صفوف متحد مردم هند باز هم بتشویق عناصر مرتجع مذهبی و دامن زدن به آتشهای فروخته اختلافات مذهبی پرداخت و سازمانهای مسلمانان را بر قابت با هندوان برانگیخت .

در آن زمان مسلمانان دو سازمان داشتند یکی بنام «کنفرانس مسلمین» که تحت رهبری آقا خان قرار داشت و سیاست محافظه کارانه می را دنبال میکرد و دیگری جامعه مسلمین (مسلم لیگ) که زیر رهبری «جیناه» بود و نظرهای لیبرالی داشت. دولت بریتانیا این هر دو سازمان را پیش میکشید و تشویق میکرد. مرتجعین هند و وسپیک نیز به هیچشمی با سازمانهای مذهبی مسلمانان و بعنوان آنکه بتوانند از منافع خود دفاع کنند به تشکیل سازمانهای متعصب مذهبی پرداختند. بدین ترتیب جبهه واحد نهضت ملی ضعیف میشد و درهم میشکست و در بسیاری نقاط زد و خوردها و تصادمات تأسف آوری روی میداد .

گاندی برای نزدیک ساختن فرقه های مذهبی بیکدیگر و ایجاد مجدد وحدت ملی تلاش میکرد و یکبار هم بیست و یکروز روزه گرفت اما این اقدام او نیز نتوانست اختلافات را مرتفع سازد.

دولت و کنگره بالاخره باین نتیجه رسیدند که باید از راه مذاکرات و موافقت‌های سیاسی مسائل را حل کرد. باین منظور بود که در سال ۱۹۲۸ کمیسیون ریاست «سرجان سیمون» و عضویت شش نفر عضو دیگر انگلیسی تعیین گشت که اوضاع هند را مطالعه کنند و پیشنهاداتی فراهم سازد اما هندیان که در این کمیسیون شرکت نداشتند همکاری با آنرا تحریم کردند و «کمیسیون سیمون» نتوانست موفقیتی بدست آورد. مردم هند علاوه بر اعتراضات شدید نسبت به کمیسیون برای مقابله با آن کنفرانس بزرگی از تمام احزاب تشکیل دادند که ریاست آن بعهده موتی لعل نهرو و اگذار شد و پیشنهادات متقابلی تهیه کرد و چون دولت بریتانیا این پیشنهادات را نپذیرفت بالاخره کنگره ملی هند «پورنا سوراچ» (استقلال کامل) را هدف نهائی ملت هند اعلام کرد و روز ۲۶ ژانویه را روز استقلال تعیین نمود و در ۲۶ ژانویه ۱۹۳۰ بیانیه مشهور استقلال را انتشار داد.

با این بیانیه هدف مبارزات هند مشخص تر گردید و بدنبال انتشار آن بود که دوران مبارزات جدید نافرمانی آغاز شد. گاندی در ۲ مارس ۱۹۳۰ به لرد ایروین نایب السلطنه هند خبر داد که نافرمانی را آغاز خواهد کرد. صبح روز ۱۲ مارس گاندی با اتفاق ۷۵ نفر از هواداران خود از کانون پیروان خویش «اشرام ساتیا گراها» در «سارمانی» بسوی دهکده «دندی» در ساحل دریای عربستان حرکت کرد تا در آنجا برخلاف قانون به تهیه نمک بپردازد. این راه پیمائی ۶۰۰ کیلومتری سراسر هند را بهیچان آورد و بالاخره در ۵ آوریل وقتی که گاندی در دندی تهیه نمک را آغاز کرد مبارزه نافرمانی ملت هند در همه جا آغاز گشت و فصل جدیدی در تاریخ تلاشهای قهرمانی و مسالمت آمیز مردم هند در راه استقلال گشوده شد. دولت بریتانیا با خشونت و شدت بمقابله پرداخت باز هم زندان‌ها و تبعیدها و تضيقات و فشارها در سراسر هند شروع گردید. خود گاندی بازداشت شد و بزندان «پروادا» اعزام گشت و بسیاری از رهبران نهضت ملی هند از جمله جواهر لعل نهرو نیز مجدداً بزندان رفتند.

در این ضمن دولت بریتانیا کوشید که از راه تشکیل کنفرانسهای میزگرد در لندن به حل مسئله هند بپردازد اما این کنفرانسها بشکلی تشکیل میشد که سازمان کنگره در آن شرکت نداشت و عملاً آنرا بصورتی در میآوردند که در آن تمایلات استعمار طلبانه بریتانیا بکرسی بنشیند و تصمیماتی اتخاذ گردد که با اعضای يك نوع خاص از استقلال و خود مختاری به هند نفوذ بریتانیا در آن باقی و برقرار بماند.

در همین دوران بود که گاندی توجه خود را به موضوع برداشتن فاصله‌های طبقاتی هندوان و آمیزش با طبقه «نجس‌ها» که خارج از طبقات مردم حساب میشدند معطوف ساخت و نهضت «هریجن» را برای هواداری از آنها بوجود آورد و دنبال کرد.

طبق مصوبات دولت بریتانیا مقرر شده بود که پیروان مذاهب مختلف، هندوها، مسلمانان،

سیک‌ها و دیگران هر يك جداگانه در انتخابات شرکت کنند. نجس‌ها نیز می‌بایست بطور جداگانه رأی بدهند.

گماندی که با این تقسیم طبقاتی بشدت مخالف بود و میدانست که این نوع تجزیه مردم فقط بسود حکومت استعماری خارجی است. در راه نزدیک ساختن پیروان مذاهب مختلف و از میان برداشتن فواصل مختلف طبقات مذهبی به تلاش پرداخت و یکبار هم باین منظور اعلام روزه کرد و اعلام داشت که در صورت عدم قبول نظرش حتی اگر بمیرد روزه خود را نخواهد شکست و از این راه احزاب مختلف را مجبور ساخت که شرکت طبقه محروم نجس‌ها را هم در انتخابات مشترک بپذیرند.

کنفرانسهای میزگرد که آخرین آنها در ۱۹۳۲ تشکیل شد طرحی برای تشکیل يك «دولت هند» تهیه کرد که در سال ۱۹۳۵ بتصویب پارلمان بریتانیا رسید و بنا بر آن :
 ۱ - يك اتحادیه هند تشکیل میشد . ۲ - ایالات خود مختار بوجود می‌آمد ۳ - قدرت و حاکمیت بتدریج به دولت هند منتقل میگشت و ضمانت تحت نظارت بریتانیا قرار میگرفت.
 رهبران نهضت ملی و کنگره ملی هند هر چند با این طرح و این قانون موافق نبودند و علناً اعلام داشتند که برای الغای آن با آن مبارزه خواهند پرداخت بنظر نشان دادن قدرت خود در انتخابات عمومی که طبق این قانون صورت میگرفت شرکت کردند و پیروزی عظیمی بدست آوردند. ضمناً معلوم شد که جامعه مسلمین نیز در استانهائی که اکثریت اهالی آن مسلمان هستند نیروی بزرگی دارد.

بدنبال این پیروزی دولت‌هائی در ایالات از اعضای کنگره تشکیل شد ولی متأسفانه کنگره در این موقع مرتکب اشتباهی گشت و وزیران دولتهای ایالتی را بعنت اکثریتی که در انتخابات بدست آورده بود منحصرأ از اعضای کنگره انتخاب کرد . این امر هر چند با موازین دموکراسیهای غربی تطبیق میکرد اما سبب شد که جامعه مسلمین نقش مخالفت را بعهده بگیرد و به تبلیغات شدیدی پردازد و کنگره ملی را متهم کند و مسلمین را از نتایج حکومت هندوان متوحش سازد و این فکر را که از مدتها پیش با تشویق بریتانیا بوجود آمده بود پیوراند که مسلمانان هند باید دولت مستقل و جداگانه‌ئی برای خود بوجود آورند.

استقلال هند

قانون اساسی سال ۱۹۳۵ و اصلاحاتی که در آن موقع در وضع اداری هند صورت گرفت علاقمندان به آزادی مطلق را راضی نمیساخت و نمیتوانست هیجانان مردم هند را تسکین دهد و بهمین جهت تلاشها و مبارزات هند و نهضت ملی هند همچنان ادامه داشت. در این ضمن اوضاع جهان هم تحول می‌یافت. حمله موسولینی به حبشه، جنگهای داخلی اسپانیا، توسعه

قدرت متجاوز هیتلر و خطر جنگ که در افق نمایان شده بود و بالاخره هم در سال ۱۹۳۹ آتش آن زبانه کشید و عاملی بود که در هند تأثیر میگذاشت.

وقتی که جنگ دوم جهانی آغاز گردید دولت بریتانیا هند را هم بجز جنگ کشانید و میخواست که مردم هند بغضاتر پیروزی دموکراسی با مساعی متفقین همکاری کنند اما هند که خود قربانی استعمار خشن خارجی بود در عین حال که هوادار نیات متفقین بود نمیتوانست بدون داشتن تضمین در باب آزادی خود به همکاری بپردازد. دولت بریتانیا هم از دادن چنین تضمین‌هایی شانه خالی میکرد.

وقتی که ژاپن نیز در سال ۱۹۴۱ در کنار آلمان هیتلری و ایتالیای فاشیست وارد جنگ شد آتش جنگ تا مرزهای هند هم رسید. دولت بریتانیا باز هم میکوشید که بخیال خود با وعده‌های اصلاحات و تغییرات آینده مردم هند را راضی سازد. «سراسن فوردر کریس» وزیر کابینه بریتانیا بهمین منظور به هند آمد اما طرحهای او هم با شکست مواجه شد. بدنبال این حوادث بود که گاندی در ۸ اوت سال ۱۹۴۲ نهضت بزرگ دیگری را آغاز کرد و به انگلیسیها گفت «از هند خارج شوید». این نهضت نیز با مقاومت و خفقان دولت مواجه گردید و باز هم گاندی، نهری، ابوالکلام آزاد و بسیاری از رهبران مردم هند و کنگره ملی بزرندان رفتند.

«سوباس چندرا بوس» یکی از رهبران ملی هند نیز که از آغاز جنگ در خانه اش در کلمکته تحت نظر بود در ژانویه ۱۹۴۱ از هند فرار کرده بود و پس از مسافرت پرمجرائی با آلمان و ژاپن که با بریتانیا می‌جنگیدند در برمه که تحت اشغال ژاپن درآمده بود از داوطلبان هندی و اسرای هندی ارتش بریتانیا «ارتش ملی هند» را تشکیل داده و بغضاتر استقلال هند بجز جنگ مسلحانه با بریتانیا مشغول بود.

این حوادث نشان میداد که دیگر نمیتوان به وفاداری و فرمانبرداری ملت هند اعتماد کرد و حتی به همکاری مثبت آنها در زمان جنگ امید داشت.

در سال ۱۹۴۲ جنگ جهانی بحرانی‌ترین دورانهای خود را طی میکرد. ارتشهای پیروزمند هیتلر لنینگراد را محاصره کرده بودند و تا استالینگراد و کوه‌های قفقاز رسیده بودند. در شمال آفریقا ارتشهای آلمان در مصر بودند و با کانال سوئز فاصله زیادی نداشتند. خطر بزرگی متفقین را تهدید میکرد و همکاری هند در راه پیروزی نقش بسیار مهمی میداشت باین جهت بود که امریکا و چین دو متفق بزرگ بریتانیا بدولت انگلستان فشار آوردند که صراحتاً قول بدهد که بلافاصله پس از جنگ آزادی هند را برسمیت خواهد شناخت. با اینهمه باز هم بریتانیا امیدوار بود که بدون همکاری با کنگره ملی و با استفاده از مسلمانان هند نفوذ و تسلط خود را همچنان محفوظ نگاهدارد. سران کنگره همچنان

در زندانها بودند. در آوریل ۱۹۴۴ گاندی ب شدت بیمار شد و باین جهت او را آزاد ساختند و او بلافاصله کوشید از راه تماس با مسلمانان و رسیدن بتوافق با آنها راه آزادی هند را هموار سازد. مذاکرات او با «چیناه» هر چند آنها را بیکدیگر نزدیک ساخت اما به نتیجه قاطع نرسید زیرا جامعه مسلمین و رهبران ایشان خواستار دولت مستقل و جداگانه می بودند و «چیناه» میگفت مسلمانان هند ملت جداگانه می هستند.

بالاخره در اوایل سال ۱۹۴۵ جنگ جهانی پایان رسید. در انگلستان با انتخاباتی که پس از جنگ صورت گرفت حزب کارگر زمامدار شد. سران دولتهای بزرگ طرح دومبارتن او کس را تهیه کردند و بدنبال آن منشور ملل متفق اعلام گشت که حق ملت ها را برای آزادی و تعیین سرنوشتشان تأیید میکرد. ملت هند هم خواهان آن بود که وعده استقلال هند و خروج بریتانیا از این کشور تحقق پذیرد.

کوشش های ممتدی برای این منظور صورت گرفت اما درخواست جامعه مسلمانان برای تشکیل يك دولت جداگانه همواره مشکلی در این راه ایجاد میکرد. بطوریکه حتی وقتی که يك شورای موقتی تحت ریاست نایب السلطنه و بامشارکت نمایندگان کنگره و مسلمانان تأسیس گردید و در صدد برآمد که يك مجمع مؤسسان برای تهیه طرح استقلال هند تشکیل دهد باز هم جامعه مسلمین درخواست جدائی از هند و تشکیل يك دولت مستقل را مطرح ساخت.

عاقبت، در ۲۰ فوریه ۱۹۴۷ انلی نخست وزیر بریتانیا اعلام داشت که انگلستان پیش از ژوئن ۱۹۴۸ نیروهای خود را از هند خارج خواهد ساخت و مقدرات هند را بدست خود هندیان خواهد سپرد.

«لرد لوتی مونت باتن» بعنوان آخرین نایب السلطنه هند به دهلی آمد تا این منظور را عملی سازد و تاریخ ۱۵ اوت برای اعطای استقلال به هند تعیین گردید.

روز ۱۴ اوت ۱۹۴۷ دولت پاکستان از ایالاتی که در آنها مسلمانان اکثریت داشتند بوجود آمد و باین منظور ایالت بزرگ بنگال و ایالت پنجاب تقسیم شد. «چیناه» بعنوان فرمانروای کل و لیاقت علیخان ب سمت نخست وزیر پاکستان تعیین شدند.

در نیمه شب روز ۱۵ اوت ۱۹۴۷ نیز مراسم واگذاری حاکمیت بدولت مستقل هند که از سایر نواحی هند تشکیل گردید و بیش از ۴۰ میلیون نفر مسلمان در آن باقی بود انجام گرفت و بدنبال این امر عنوان امپراطور هند از عناوین پادشاه انگلستان حذف شد. وزارت امور هند در دولت بریتانیا منحل گشت و نیروهای نظامی بریتانیا خاک باستانی هند را ترک گفتند.

بدین شکل بالاخره مبارزات مداوم و فداکاریها و جانفشانیهای قهرمانی ملت هند به ثمر